سبک همسایگی

مدیریت ساختمان می‌تواند اوقاتی را فراهم کند تا در زمان خاصی اعضایی که به طور مشترک در یک ساختمان زندگی می‌کنند سایر اعضا را ملاقات کرده و قوانین ساختمان یا مشکلاتی را که هر واحد از اوضاع کلی ساختمان دارد با مدیریت مطرح کنند و با همفکری و مشورت با یکدیگر برای رفع یا بهبود بخشیدن به مشکلات و امور مختلف اقداماتی را انجام دهند

وظایف ما در آپارتمان‌ها، برج‌ها و مجتمع‌های مسکونی

انبوهه‌ای در انبوه‌سازی‌ها نباشیم!

■ پریناز مهرابی

از دیرباز زمانی که جوامع گوناگون برای زندگی در کنار یکدیگر نزدیک رودها و رودخانه‌ها سکونت می‌گزیدند و منازل خود را بنا می‌کردند کم‌کم شهرهای کوچک شکل گرفت و با رشد شهرنشینی و افزایش هر ساله جمعیت جوامع بشری و کمبود فضا و زمین بشر برای هموار شدن راه زندگی چاره‌ای اندیشید و راهکاری برای بهبود بخشیدن به استفاده از فضاهای مختلف یافت و به آپارتمان‌نشینی و ساخت وساز مجتمع‌ها و انبوه‌سازی روی آورد.

آپارتمان‌سازی چاره‌ای برای رسیدگی و سامان‌دهی برای حل مشکلات جمعیتی بود و به این شکل افراد جامعه از شکل زندگی سنتی و خرید خانه به دلیل هزینه گزاف و بالای زمین دست برداشتند و تمام این جریانات دست به دست یکدیگر داد تا انقلاب و تحولی در شکل زندگی بشر رخ داد اما به رغم اینکه سازندگان این مجتمع‌های ساختمانی راهکاری را برای خلاصی از شر هزینه‌های بالای ساخت خانه و کمبود فضای ساخت و ساز به وجود آوردند و آسایش بیشتری را از لحاظ برخی وجوه برای شهرنشینان فراهم آوردند، در عین حال آرامش اعضای جامعه متلاطم شد.

■ **آموزش ندیده آپارتمان‌نشین شدیم**

التقاط و ادغام سبک زندگی در خانه‌هایی که به شکل سنتی اداره می‌شد و رفت‌وآمدها همانگونه در آنها شکل می‌گرفت و انجام می‌شد در مقایسه این دو سبک زندگی در آپارتمان‌هایی که هر روزه انبوهه‌سازی می‌شوند به رغم فوایدی که برای بشر داشت مشکلات فراوانی را نیز برایشان به وجود آورد.

در حقیقت قبل از اینکه جامعه بشری توان پذیرش زندگی در آپارتمان‌ها و فضاهای کوچک و فرهنگ این نوع زندگی را بپذیرد، قوانین، هنجارها و ارزش‌های آن را فراگیرد و به آنها پایبند شود و آموزش‌های لازم را ببیند، افراد را با مشکلاتی مواجه کرد که حتی در بسیاری از مواقع مفهوم همسایه خوب، تاریخچه دینی و فرهنگی و محترم شمردن همسایه را خدشه‌دار می‌کرد و حتی با رفتار و اعمال مختلف، دخالت در امور همسایگان و احترام به یکدیگر را تا حد زیادی از بین برده و زیر سؤال می‌برد.

هنگامی که سبک زندگی، شکل‌گیری خانه‌ها در کنار یکدیگر و نوع روابطی که بین آنها برقرار بود را مورد بررسی قرار می‌دهیم متوجه تفاوت بسزایی در بین آنها می‌شویم، اعم از اینکه روابط بسیار صمیمی در کنار یکدیگر داشتند و مهم‌تر از همه اینکه از بزرگان حرف شنوی داشتند و اگر هم اختلاف‌نظری در امور بین همسایگان کوچه و محله اتفاق می‌افتاد با گفته بزرگان محل و مشورت با آنها قضیه فیصله پیدا می‌کرد.

■ **نیاز به یک مدیر توانمند**

اما امروز تکلیف آپارتمان‌ها، برج‌ها و مجتمع‌های غول پیکر چیست؟ علاوه بر این با گسترش مهاجرت‌ها از اقصی نقاط کشور به سمت پایتخت چه امری باعث نظم بخشیدن و حرف شنوی افراد و اقلیت‌های مختلف در یک جامعه یا گروه می‌شود؟ از این مسائل درمی‌یابیم که انتخاب یک مدیر یا نماینده توانا و هیئت مدیره برای نظم بخشیدن یا انجام کارها ضروری می‌شود. مدیری که بیشتر اعضای ساختمان آن فرد را قبول داشته باشند یا در رأی‌گیری انجام شده برای انتخاب مدیر از نظر سایر اعضا پذیرفته شده باشد.

در مجموع انتخاب همین مدیر و هیئت مدیره برای آپارتمان‌هایی با جمعیت زیاد یک راهکار اساسی برای حل پاره‌ای از مشکلات آنها فراهم می‌آورد. در واقع مدیریت ساختمان می‌تواند اوقاتی را فراهم کند تا در زمان خاصی اعضایی که به طور مشترک در یک ساختمان زندگی می‌کنند سایر اعضا را ملاقات کرده و قوانین ساختمان یا مشکلاتی را که هر واحد از اوضاع کلی ساختمان دارد با مدیریت مطرح کنند و با همفکری و مشورت با یکدیگر برای رفع یا بهبود بخشیدن به مشکلات و امور مختلف اقداماتی را انجام دهند.

■ **اگر هماهنگ نشویم انبوهه می‌شویم**

نکته اساسی و حائز اهمیت در اینجا این است که بکوشیم تا درصدد رفع مشکلات برآمده و آرامش گمشده یا کمرنگ را برای سایر افراد فراهم آوریم. در واقع باید بکوشیم با اهالی ساختمان اهداف مشترکی در جهت رفع مشکلات و ارتقای اوضاع کیفی ساختمان خود داشته باشیم. در غیر این صورت افرادی که در این ساختمان‌ها یا آپارتمان‌ها سکنی گزیده‌اند جزو یک انبوهه به حساب می‌آیند و از جایی که انبوه هدف مشترکی را دنبال نمی‌کند، برای ارتقای اوضاع یا حل مشکلات اقدامی انجام نمی‌شود یا افراد تلاشی در بهبود اوضاع ساختمان یا شکل‌گیری و ایجاد قوانین مختلف برای ایجاد نظم و ترتیب بهتر انجام نمی‌دهند و فقط در جهت منافع شخصی خود رفتار و عمل می‌کنند.

در صورتی که اگر اعضای ساختمان بتوانند اهداف مشترکی را دنبال کنند علاوه بر سودی که عاید خودشان می‌شود آرامش زیادی را کسب می‌کنند و حتی همین جریان که عضو یک گروه با اهداف مشترک و احترام متقابل نسبت به نظرات و عقاید یکدیگر هستند احساس خوشایندی را تجربه می‌کنند و توان پذیرش نظرات و عقاید همدیگر را دارند و در جهت پیشبرد اهداف گروه خود گام بر می‌دارند.

در حقیقت زمانی که افراد از خودمحوری و خودکامگی دست بر می‌دارند، ظرفیت پذیرش نظرات و رفتار مخالف با خود را کسب کرده و این تفاوت گسترده در سبک زندگی مدرن را با خود تمرین و این ویژگی را درون خود درونی می‌کنند، هر اندازه که حق را به خود می‌دهند، دیگران را هم محق بدانند و با تغییر در نگرش‌ها و باورها بسیاری از آزارها و اذیت‌هایی که در جامعه امروز افراد برای یکدیگر به وجود می‌آورند، جر و بحث‌هایی که بر سر مسائل مختلف اعم از رعایت نظم، سکوت در مواقع استراحت سایرین، استفاده درست از مشاعات ساختمان و... می‌شود را می‌توانند به راحتی حل کنند. به عنوان مثال برخی از این آزار و اذیت‌ها که دغدغه امروز جامعه مدرن و پیروی و تقلید از سبک زندگی غربی شده و با فرهنگ زندگی شهرنشینی آپارتمانی جور در نمی‌آید نگهداری از انواع و اقسام حیوانات اعم از سگ، گربه و خرگوش و... است که آزار و اذیت زیادی را برای سایرین به وجود می‌آورد یا همانطور که ذکر شد در ساعاتی که افراد به استراحت می‌پردازند شروع به سر و صدا می‌کنند و به فرزندان خود اجازه بازی کردن در حیاط در ساعات استراحت اطرافیان را می‌دهند.

در حالی که تمامی این رفتارهای ما ممکن است از دید خودمان هیچ گونه مشکل و دردسری نباشد اما برای عموم افراد یا همسایگانمان دردسر ایجاد کند. پس بهتر است همسایگان و اطرافیان خود را بیشتر درک کنیم و خودمان باعث بی‌احترامی به یکدیگر یا واکنش‌های تند و رفتارهای غیرمنطقی نشویم و به دنبال ایجاد این نگرش باشیم که هر روزه با ایجاد قوانین و احترام به افراد، مشکلات خود را حل و آرامش بیشتری را کسب کنیم.

سبک رفتار

از دشواری‌ها و ویژگی‌های فرهنگی که سر راه آپارتمان‌نشینی در ایران قرار دارد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شمار اعضای خانواده، دید و بازدیدها، آشپزی و آشپزخانه، وسایل خانه، جای خواب، بلندی صدا، مالکیت خانه و مالکیت آپارتمان، حیوانات اهلی و آپارتمان‌نشینی، زباله‌ها و نهایتاً مالکیت‌ها و مسئولیت‌های مشترک

پس‌افتادگی فرهنگی در آپارتمان‌نشینی

کمی هم به فکر آسایش همسایه باشیم

■ بهنام صدقی

خانه و مسکن به گفته مؤلف کیمیای سعادت، امام محمد غزالی، یکی از سه اصل دنیاست (طعام، لباس و مسکن) که در گذشته جوابگوی بسیاری از نیازهای خانواده بود. همچنین خانه در معماری سنتی ایران، محدوده‌ای مسکونی بود که اتاق‌هایش معمولاً در چهار طرف حیاط قرار گرفته بود و این اتاق‌ها به زمستانی، تابستانی، سه دری، پنج دری، صفه، ارسی، تنبی، صندوق خانه، پستو، مهمان خانه، بالا خانه و... تقسیم می‌شد و هر یک هم کاربرد معینی داشت. پیشرفت‌های صنعتی و فنی، ازدیاد جمعیت، ورود شیوه‌های معماری خانه‌سازی غرب، دگرگونی‌های فراوانی در همه زمینه‌ها از جمله خانه‌سازی کشور ما ایجاد کرد. این دگرگونی مسکن که می‌توان آن را انقلاب مسکن نامید، مانند همه دگرگونی‌ها و انقلابات صنعتی، تکنیکی و ماشینی دارای دو جنبه فرهنگ مادی و غیرمادی توأمان است که نمی‌توان در جامعه آن دو را جدا از یکدیگر در نظر گرفت. به بیانی دیگر، ابزارها، ماشین، تلویزیون و نیز آپارتمان به عنوان فرهنگ مادی، زمانی می‌تواند کارایی مناسب داشته باشد که با شیوه کاربرد مناسب همراه باشد.

فرآورده‌های ماشینی و صنعتی از آغاز پیدایش بسیار و شتابان وارد بازار شد، پیش از آنکه جامعه از نظر فرهنگی و شیوه کاربرد پذیرای آن باشد. این فاصله و اختلاف که جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان به آن تأخر یا پس افتادگی فرهنگی می‌گویند، در همه کشورها به ویژه در کشورهای معروف به جهان سوم و موصوف به در حال توسعه، آشکار، ناگوار و مسئله‌آفرین است. بدین معنی که در این کشورها، دگرگونی، ورود و پذیرش بسیاری از فرآورده‌های صنعتی چون رادیو، تلویزیون، برق، اتومبیل، تلفن، سلاح، ماهواره و سرانجام اینترنت سریع‌تر از آن صورت می‌گیرد که جامعه بتواند آداب و عادات سنتی خود را پشت سر بگذارد و با فرهنگ کاربرد ابزارهای جدید، هماهنگ شود. یک مورد از همین ناهماهنگی‌ها در پدیده و رشد آپارتمان‌سازی و فرهنگ آپارتمان‌نشینی است.

از دشواری‌ها و ویژگی‌های فرهنگی که سر راه آپارتمان‌نشینی در ایران قرار دارد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شمار اعضای خانواده، دید و بازدیدها، آشپزی و آشپزخانه، وسایل خانه، جای خواب، بلندی صدا، مالکیت خانه و مالکیت آپارتمان، حیوانات اهلی و آپارتمان‌نشینی، زباله‌ها و نهایتاً مالکیت‌ها و مسئولیت‌های مشترک.

در زندگی آپارتمان‌نشینی امروز، احساس مسئولیت کردن و خود را در مراقبت کردن و پاکیزه نگه داشتن محیط زندگی شریک و سهیم دانستن، به تجربه و آموزش و آگاهی فرهنگی نیاز دارد و این آموزش و آگاهی با نوشتن و نصب یک اعلان بر دیوار در ورودی به دست نمی‌آید. ویژگی‌های ده‌گانه یاد شده در سطور فوق که به تدریج در سیر زمان و متناسب با فضای مسکونی به دست آمده قابل تغییر و انطباق با آپارتمان‌نشینی است ولی کم‌کم و با آموزش.

ناگزیر با افزایش بی‌رویه جمعیت شهر و روستا، با روند روزافزون شهرگرایی و مرکزگرایی، با پیشرفت و دگرگونی‌های صنعتی و تکنولوژی و انگیزه‌های دیگر، روند آپارتمان‌سازی افزایش می‌یابد.

پیرو همین قضیه، قشر متوسط جامعه شهری که از نظر درآمد بیشترین است، به سوی آپارتمان‌نشینی کشانده می‌شود و تنها ثروتمندان بزرگند که می‌توانند خانه مستقل داشته باشند یا خانه سنتی موروثی را در برابر شتاب آپارتمان‌سازی نگه دارند.

در تهران امروز کم نیستند باغ‌ها و خانه باغ‌هایی که بعد از گذشتن دو یا سه سال تخریب می‌شوند و به جای آنها ساختمان‌های بلند و بعضاً برج‌هایی لوکس و رؤیایی قد علم می‌کنند و در مواقعی قبل از اتمام کامل بنا، واحدهایی پیش فروش می‌شوند و پس از آن خانواده‌هایی کم، متوسط یا پرجمعیت در آنها مستقر می‌شوند و صدای بسته و باز شدن درها با بلندترین صدا نشان از آن است که گویی ساکنان از کاربرد و مزیت قطعه‌ای تحت عنوان دستگیره در بی‌خبر هستند و این خود یکی از مصادیق کوچک کم‌اهمیت دانستن فرهنگ آپارتمان‌نشینی است.

با تمام این تفاسیر می‌توان چنین گفت که این مهم فقط به اندکی فکر و اهمیت دادن به آسایش دیگران نیازمند است. پس بیاییم در کنار فرهنگ مرفه و مفرح‌نشینی، کمی هم به رفتارهای ریز و درشت محدوده کوچک زندگی‌مان بیندیشیم تا خانه نه تنها برای ما که برای همسایه‌ها نیز محل امنیت و آرامش باشد.

نگاه

خانواده‌ای به سبک آپارتمانی

تلاش برای شاد زیستن در چاردیواری

■ مطهره علوی

خواسته یا ناخواسته در عصری زندگی می‌کنیم با ویژگی‌های منحصر به فرد و بی‌آنکه نقشی در آنها داشته باشیم ما را با خود برده است. آپارتمان‌ها به عنوان یکی از ویژگی‌های این عصر، سبکی پیچیده از زندگی هستند. داشتن روزمرگی‌های شاد و موفق در این سبک از زندگی نیازمند مدیریتی قوی و از خودگذشتگی افراد خانواده است. در غیر این صورت باعث بروز اختلافات شدید یا گاهی حتی پیشامدهای جبران ناپذیر می‌شود. ما همان مردم علاقه‌مند به حوض آبی وسط حیاط و دبه‌های ترشی لبه پله هستیم اما به اجبار زمان و تحولات شهرسازی محکوم به زندگی آپارتمانی شده‌ایم. این سبک از زندگی مثل باقی آورده‌های عصر جدید ما را با مشکلات و مصائب جدیدی روبه‌رو کرده است. فضای کوچک آپارتمان‌ها، انتقال صدا به خانه همسایه، آشپزخانه کوچک، سرویس بهداشتی‌ای که گاهی فاصله‌اش با فضای نشیمن تنها یک قدم است و... که همه آنها نقش عمده‌ای در آرامش یا عدم آرامش ما دارند. همیشه از آپارتمان‌نشینی و رعایت قوانین آن و حقوق همسایگان صحبت شده است اما در این مجال تلاش بر این است که درباره آپارتمان‌نشینی و پیامدهای آن در درون خانواده صحبت کنیم.

■ **فرزندآوری آپارتمانی**

امروزه مادرهای نسل گذشته به خانم‌های نسل جدید خرده می‌گیرند که چرا با تنبلی و توجیهات بی‌اساس از فرزندآوری شانه خالی کرده و راه سهل‌تر را انتخاب می‌کنند. به عنوان نمونه وضعیت خودشان را با چندین بچه و بدون آسودگی‌های زندگی امروزی مثال می‌زنند. در حالی که فرزندآوری تنها شست‌وشو و پخت و پز نیست. امروزه تربیت فرزندان و برآوردن نیازهای آنها بسیار سخت‌تر از چند دهه پیش است، چراکه در گذشته خانه‌های حیاط دار کار والدین را خیلی راحت می‌کرد.

بچه‌ها در حیاط یا حتی گاهی در کوچه و در کنار همسن و سال‌های خود هم انرژی‌شان را تخلیه می‌کردند و هم استعدادها و خلاقیت‌هایشان شکوفا می‌شد. در کنار اینها شخصیت اجتماعی شان نیز شکل می‌گرفت و تنها به یک نظارت دقیق بر دایره دوستان کودک احتیاج بود اما امروزه اصلاً چنین چیزی امکانپذیر نیست. سبک زندگی امروزی و قرار گرفتن در یک فضای بسته جسارت فرزندآوری را در خانواده‌های نوپا از بین برده است و متأسفانه اکثر جوانان همان راه آسان‌تر که زندگی بدون بچه است را انتخاب می‌کنند.

این روزها آپارتمان‌نشینی معضل زندگی‌مان شده است. پس تلاش کنیم با افکار مثبت و نگاه بزرگوارانه زندگی شادتر و متنوع‌تری برای خود و خانواده‌مان تدارک ببینیم. گاهی با کوچکترین بهانه‌ای می‌توان شاد بود. بهترین راهکار این است که با بازی‌های آپارتمانی و کمی چاشنی خلاقیت، کودکانمان را تا جایی که می‌شود لبریز از نشاط و شادی کنیم

گزافی را صرف مهدکودک، کانون‌های خلاقیت و از این دست مراکز کرد یا بسیار هوشمندانه و زیرکانه طوری فضا را مدیریت کرد که در همان فضای بسته کوچک، کودک بدون ایجاد صدا، انرژی‌اش تخلیه و استعدادش شکوفا شود!

■ **زندگی زناشویی آپارتمانی**

گستره تأثیر سبک زندگی آپارتمانی تنها به فرزند آوری یا فرزندپروری منحصر نمی‌شود بلکه زندگی همسران را نیز دستخوش نامتوازنی‌های خاص خود می‌کند. زنی که از صبح تا عصر خود را در خانه‌ای که در خوشبینانه‌ترین حالت راه ارتباطی‌اش با بیرون چند پنجره است و وسیع‌ترین گستره دیدش پنجره خانه همسایه، بی‌شک دچار نوعی خستگی و شکستگی‌های روحی می‌شود و توقع دارد گاهی از خانه خارج شود و با فضای بیرون از خانه ارتباط برقرار کند.

در آن سوی زندگی، عصر که مرد به خانه بر می‌گردد خسته از یک روز شلوغ و پر از ازدحام دیگر دلش فضایی آرام و شاد می‌خواهد که خستگی‌اش را بیرون کند. این دست تفاوت در خواسته‌ها، برای اینکه تبدیل به کدورت و دلخوری نشود نیاز به مدیریتی بسیار قوی و حساب شده دارد و گاهی با گذشت کردن یکی از طرفین و چشمپوشی از خواسته‌های خود ختم به‌خیر می‌شود اما باید توجه داشت که اگر همیشه گذشت از یک سمت باشد شاید در کوتاه‌مدت مسئله را حل کند اما در بلندمدت اثرات روانی بدی را برای شخص فداکار به همراه خواهد داشت.

اگر کودکان در سنین پایین از بازی کردن و تخلیه هیجانات خودمحروم شوند، بی‌شک تبعات آن در بزرگسالی گریبانگیر آنها خواهد شد. در سبک زندگی پیش‌روی ما این مشکل وجود دارد که فضای کافی برای بازی و تحرک کودک یا کودکانمان وجود ندارد. علاوه بر کمبود فضا محدودیت‌های دیگری هم وجود دارد از جمله ایجاد نکردن صدا

■ **فرزندپروری آپارتمانی**

کودکان ما برای شاد زیستن، رشد خلاقیت‌ها و استعدادهای خود نیاز به بازی و تحرک دارند. اگر کودکان در سنین پایین از بازی کردن و تخلیه هیجانات خود محروم شوند، بی‌شک تبعات آن در بزرگسالی گریبانگیر آنها خواهد شد. در سبک زندگی پیش‌روی ما این مشکل وجود دارد که فضای کافی برای بازی و تحرک کودک یا کودکانمان وجود ندارد. علاوه بر کمبود فضا محدودیت‌های دیگری هم وجود دارد از جمله ایجاد نکردن صدا.

بکن نکن‌های مدام والدین به علت پایمال نشدن حقوق همسایگان که البته بحق نیز است، کودکان ما را همیشه نگران نگه می‌دارد. آنها لذتی که باید را از بازی‌های خود نمی‌برند چون همیشه نگران ناراحتی پدر و مادر خود هستند. این کودکان با استرس و ترس رشد می‌کنند و همین استرس تا سال‌های سال و شاید تا پایان عمر همراه آنها خواهد ماند و بر زندگی آینده فردی یا اجتماعی آنها تأثیر خواهد گذاشت.

برای داشتن فرزندانی شاد یا باید هزینه‌های

■ **محیط زندگی را با کمی خلاقیت شاد کنیم**

متأسفانه این روزها آپارتمان‌نشینی معضل زندگی‌مان شده است. پس تلاش کنیم با افکار مثبت و نگاه بزرگوارانه زندگی شادتر و متنوع‌تری برای خود و خانواده‌مان تدارک ببینیم. گاهی با کوچکترین بهانه‌ای می‌توان شاد بود. بهترین راهکار این است که با بازی‌های آپارتمانی و کمی چاشنی خلاقیت، کودکانمان را تا جایی که می‌شود لبریز از نشاط و شادی کنیم. البته که این کار بسیار سخت است اما ارزشش را دارد. همسران نیز تلاش کنند با کمی گذشت دو طرفه و درک متقابل از خواسته‌های همگام یا گام‌هایی در جهت شادی طرف مقابل خود بردارند و با ایجاد نشاط در زندگی مشترک خود بر فضای بسته و بی‌انعطاف آپارتمان غلبه کنند.